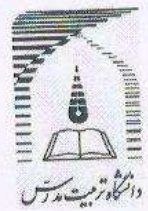


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

شماره.....

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان کلام / آقای سپهر تحت عنوان:

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و

پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	سید محمد علی جمعی	دانشیار	
۲- استاد مشاور	سید محمد باقر	استادیار	
۳- استاد ناظر (داخلی)	لطف الله نبوی	رئیس	
۴- استاد ناظر (خارجی)	علیرضا دست او	دکترای تخصصی	
۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	لطف الله نبوی	رئیس	

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه است که در سال

۱۳۸۸ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار

خانم/جناب آقای دکتر سید محمد علی حسینی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید محمد باقری

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب سهراب نیا دانشجوی رشته حرفه مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: سهراب نیا

تاریخ و امضا: ۲۷/۰۴/۹۰

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب..... دانشجوی رشته..... ورودی سال تحصیلی.....»
مقطع..... دانشکده..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»



امضا:.....

تاریخ: ۹۰/۴/۲۷



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: فلسفه گرایش: منطق فلسفی

عنوان پایان نامه:

بررسی و نقد استدلال مبتنی بر نظریه مدل پاتنم علیه رئالیسم متافیزیکی

نام دانشجو:

سلمان پناهی

استاد راهنما:

دکتر سید محمد علی حجتی

مهر ۸۸

بدین وسیله مراتب تشکر و قدردانی خود را از زحمات بی دریغ جناب آقای دکتر
حجتی و جناب آقای دکتر باقری اعلام می کنم .

چکیده

با پیشرفت منطق از اواخر قرن نوزدهم میلادی، کاربرد های متفاوتی برای آن پیدا شده و می شود. یکی از این کار برد ها که از دیر باز نیز مد نظر بوده، کاربرد منطق در فلسفه است. بر خلاف نظری که در ابتدای قرق بیستم در مورد منطق وجود داشت، مبنی بر اینکه منطق به مجادله های فلسفی پایان می دهد، منطق صرفا به دقت مباحث فلسفی افزوده است و تبدیل به ابزاری شده تا ادعا های فلسفی دقیقتر بیان شوند و نتیجه های مترتب بر آنها بهتر بررسی شوند.

تحقیق حاضر سعی در توضیح یکی از این کاربرد ها دارد. فیلسوف و ریاضیدان معروف امریکایی هیلاری پاتنم برای نقد یک دیدگاه در حوزه متافیزیک که آن را رئالیسم متافیزیکی می نامد، از مفهوم های بنیادین نظریه مدل کمک می گیرد. نظریه مدل بخشی از منطق و منطق ریاضی است که به بررسی روابط میان یک زبان و تعبیر های آن می پردازد.

پاتنم سه باور به کسانی که رئالیست متافیزیکی می نامد نسبت می دهد: نخست اینکه جهان از اشیاء کاملا غیر وابسته به ذهن انسان تشکیل شده، دوم اینکه صدق عبارت است از نوعی مطابقت میان کلمه های زبان و جهان خارج از آن و مفهومی مطلق و غیر وابسته به نظریه دارد و سوم اینکه در نهایت تنها یک نظریه درست در مورد چگونگی بودن عالم وجود دارد. از نظر پاتنم این سه باور مستلزم قابلیت تثبیت مصداق کلمه های زبان (اسامی و محمول ها) هستند اما بنا به قضیه های بنیادین نظریه مدل مثل قضیه لوونهایم - اسکولم، اساسا سیستم سمانتیکی ما قادر به تثبیت مصداق کلمه های زبان نیست (مگر با پیش فرض گرفتن یک مدل بخصوص که از نظر پاتنم این کار مصادره به مطلوب است).

واژگان کلیدی: پاتنم، رئالیسم متافیزیکی، نظریه مدل، برهان جایگشت، برهان مدل ها و واقعیت

فصل اول : کلیات و مقدمه تحقیق

۱-۱- کلیات

مسئله و اهداف :

نظریه مدل در حال حاضر فنی ترین و دقیق ترین ابزار است که فیلسوفان، منطق دانان و ریاضی دانان در اختیار دارند تا در باره تعبیرهای یک زبان صوری سخن بگویند. از سوی دیگر عده ای از فلاسفه قائل به وجود ارتباطی قطعی میان کلمه های زبان و جهان خارج اند و این باورشان در حالیست که به این گزاره نیز باور دارند که اشیاء خارج بکلی از ذهن و درک انسانی مستقل اند. حال این پرسش مطرح می شود که آیا نظریه مدل به عنوان ابزار دقیق بررسی روابط میان زبان و تعبیر های آن، ادعا های این دسته از فلاسفه را تایید می کند؟ در پاسخ به این پرسش، هیلاری پاتنم^۱ فیلسوف، ریاضیدان و منطق دان برجسته معاصر طی چندین مقاله سعی در آن دارد تا با تکیه بر قضیه های نظریه مدل نشان دهد که ارتباط قطعی میان کلمه ها و هر آنچه خارج زبان است قابل نشان دادن نیست (مگر اینکه این رابطه را از پیش فرض بگیریم) و بر همین مبنا ادعای فیلسوفانی را که قائل به چنین ارتباط قاطعی هستند متافیزیکی می داند.

^۱-Hilary Putnam

هدف تحقیق حاضر، بررسی و نقد استدلال های پاتنم در مورد رد رابطه قطعی میان کلمه های زبان و هویت های خارج زبان است. به این منظور آشنایی با مقدمات نظریه مدل، به عنوان بخشی از هدف اصلی مد نظر می باشد.

واژگان کلیدی بحث که عارتند از "رئالیسم متافیزیکی"، "برهان جایگشت"، "برهان مدل ها و واقعیت" در مقدمه ذیل و بطور مفصل تر در مقدمه فصل "شرح استدلال" توضیح داده شده اند.

پرسش هایی که تحقیق حاضر در صدد پاسخ به آنهاست عبارتند از:

- رای پاتنم در مورد تثبیت مدلول الفاظ تشکیل دهنده گزاره از طریق صدق یا شرایط

صدق جمله چیست؟

- چگونه پاتنم موفق می شود تفاوت صدق گزاره ها در مدل های مختلف را نشان دهد

- آیا نسبت صدق در مدل های مختلف نظریات ریاضی به موضع رئالیسم خدشه وارد

می کند؟

- آیا استدلال های پاتنم نافی هر نوع رئالیسم است؟

فرضیه ها و پیش فرض های تحقیق نیز عبارتند از:

- از نظر پاتنم نمی توان از طریق صدق گزاره و شرایط صدق گزاره به تثبیت مدلول

الفاظ زبان موفق شد.

- پاتنم با استفاده از قضیه لوونهایم-اسکولم موفق به نشان دادن تفاوت صدق گزاره ها

در مدل های مختلف می شود.

- مدلی که پاتنم برای نقد شهود گودل در مورد وجود اعداد ساخت ناپذیر می سازد در صورت وجود چنین اعدادی، بعضی خواص مهم یک مدل استاندارد را ندارد .
- نقد پاتنم در مورد قرائت خاصی از رئالیسم که آن را رئالیسم متافیزیکی می خواند ارائه می شود و نافی هر نوع رئالیسم نیست .

۱-۲- مقدمه

الکساندر میلر^۱ در کتاب "فلسفه زبان" خود چنین می نویسد: "فلاسفه دیگر این ایده‌ی پوزیتیویستی را قبول ندارند که فلسفه زبان می تواند ما را قادر سازد جدل های متافیزیکی را کنار بگذاریم، در مقابل به فلسفه زبان به عنوان ابزاری نگریسته می شود که می توانیم جهت وضوح بخشیدن به اینکه سوالات متافیزیکی چیستند و چگونه باید پاسخ داده شوند از آنها استفاده کنیم."^۲

پژوهش های پاتنم درباره‌ی آنچه خود رئالیسم متافیزیکی می نامد، نمونه ای واضح از رویکردی است که میلر به آن اشاره دارد.

پاتنم در سلسله مطالب خود در نقد رئالیسم متافیزیکی نتایج یک سلسله ادعاهای متافیزیکی را در فلسفه زبان مشخص می کند. و سپس سعی می نماید تا نشان دهد ابزار فلسفه زبان برای اثبات این ادعاها نمی تواند ادله ی کافی ارائه کند. به تعبیر دیگر پروژه ی پاتنم آن است که نشان دهد با تکیه بر فلسفه زبان و ابزارهای آن مثل نظریه مدل و صدق تارسکی و ... چه چیزهایی را نمی توان

¹ -Alexander Miller Lecturer in Philosophy at the University of Birmingham

² - PHILOSOPHY OF LANGUAGE - A. MILLER - 2002 - P.279

گفت . اگر هدف کانت را تعیین حدود فهم انسان، بپنداریم، پروژه ی پاتنم این سوپه ی کانتی را دارد که سعی در تعیین محدوده ی ادعاهایی که می توان بر فلسفه زبان بار نمود، دارد.

آنچه که پاتنم تحت عنوان رئالیسم متافیزیکی نقد می کند مشتمل است بر مجموعه ای از پندارهایی که برای اکثر ما بدیهی به نظر می رسد یا دست کم به شهود و درک عمومی بسیار نزدیک است؛ وی می نویسد "آنچه یک رئالیست متافیزیکی پیش فرض دارد آن است که ما می توانیم بطور مستقل از ذهنمان، راجع به چیزها چنان که هستند فکر کنیم و سخن بگویم و دیگر اینکه ما می توانیم این کار را بواسطه رابطه مطابقت میان ترم های زبانمان و موجودیت های مستقل از ذهن انجام دهیم"^۱

چنان که در نقل قول مشخص است پاتنم بر دو نکته انگشت تأکید می نهد؛ نخست اینکه یک رئالیست متافیزیکی قائل به توانایی انسان به ارجاع به چیزهایی مستقل از ذهن است. دوم اینکه این توانایی بواسطه نوعی مطابقت میان ترم های زبان و این موجودیت های مستقل از ذهن بدست می آید. پاسخ به دو پرسش زیر که برآمده از نکته های بالا هستند در طول تاریخ فلسفه تحلیلی منشاء مباحثات فلسفی- منطقی فراوانی بوده است:

۱- ترم های زبان ما با چه موجودیت های مستقلی در بیرون ذهن مطابقت دارند؟

۲- چه نوع رابطه مطابقتی میان ترم های زبان و این موجودیت های مستقل وجود دارد؟

پاتنم برای نمونه دو مثال ذکر می کند. وی معتقد است راسل ومور داده های حسی را آن موجودیت مستقلی می دانند که با ترم های زبان ما در رابطه مطابقت قرار می گیرند؛ ایده ای که به

¹-Realism and Reason(R.R) –Hilary Putnam -1983-Cambridge University press –P.205

²-entities

نظر وی امروز منسوخ گردیده است.^۱ از نظر وی رئالیست های متافیزیکی امروز- پس از کارهای کریپکی و خود پاتنم- اشیاء مادی را نمونه‌ی اشیاء مستقل از ذهن می پندارند و مطابقت را نیز نوعی رابطه علی در نظر می گیرند.^۲ (اشاره پاتنم در مثال اول به نظریه معرفت راسل است که بر مبنای آن ما به دو طریق معرفت کسب می کنیم، معرفت به واسطه حواس و معرفت به واسطه تعریف. در مثال دوم نیز به استدلال کریپکی و خود وی مبنی بر ارجاع به خاصیتی مادی از اشیاء مادی هنگام ارجاع به آنها، اشاره دارد.)

از مجموع نوشتار پاتنم چنین به نظر می رسد که وی با پاسخ فیلسوفان متاخر به پرسش اول مشکل چندانی ندارد و با ایشان هم صداست که موجودیت هایی مادی و نه داده های حسی یا اوصاف، موجودیت هایی هستند که مورد ارجاع ترم های زبان ما قرار می گیرند.^۳ - البته خواص این اشیاء را مستقل از ذهن نمی داند و بطور کلی چنان که خواهیم دید از نظر پاتنم سخن گفتن از "چیزها چنان که هستند" بی معنی است و ما همواره در چارچوب یک نظریه درباره ی چیزها سخن می گوئیم- اما بخش عمد ای از تلاش پاتنم معطوف به نشان دادن این امر است که تلاش رئالیست متافیزیکی در ارائه‌ی رابطه مطابقتی "مطلوب" محکوم به شکست است. وی می نویسد: "مشکلی که یک معتقد به رئالیسم متافیزیکی همواره به آن روبروست، در بردارنده‌ی مفهوم مطابقت است. راه های بسیار متفاوتی برای قرار دادن نمادهای یک زبان و چیزهای موجود در(هر مجموعه مفروض مثل) S در تناظر با یکدیگر وجود دارد. در واقع اگر اعضای S نامتناهی باشند به نامتناهی طریق می توان این کار را انجام داد و اگر متناهی باشند به تعداد متناهی ولی بزرگی می توان این

^۱ - R.R – P.205

^۲ همان

^۳ این برداشت در مقاله "MINING OF MINING" و فصل دوم کتاب Reason Truth and History (R.T&H) مشهود است.

کار را انجام داد. حتی اگر "مطابقت" را محدود به رابطه ارجاعی بودن کنیم و تصریح کنیم که جمله ها (جمله های صادق) با اوضاع اموری که در واقع برقراراند مطابقت دارند، باز از قضیه های نظریه ی مدل نتیجه می شود که هنوز راه های نامتناهی برای تعیین این رابطه مطابقت وجود دارد".^۱

ارتباط میان پروژه ی پانتم و نظریه ی مدل از همین جا مشخص می شود. بنا به تعریف های متداول، نظریه مدل روابط میان یک زبان صوری و مدل های آن را بررسی می کند و از این رو پانتم در نقد خود به رئالیسم متافیزیکی از این نظریه بهره برده است. فصل نخست تحقیق حاضر به توضیح مقدمات نظریه مدل تا حدی که برای فهم استدلال پانتم مورد نیاز است اختصاص دارد. تا اینجا دیدیم که پاسخ پانتم به این سوال که مرجع ترم های زبان ما چیست آن است که به خود اشیاء ارجاع می دهیم نه اوصافشان، گام بعدی پس از مواجهه با این امر که رابطه های مطابقت متعددی میان ترم های زبان و موجودیت های بیرون از ذهن و مستقل وجود دارند، این است که آیا می توان یکی از این رابطه ها را بر بقیه ترجیح داد؟ اگر جواب مثبت است آن رابطه ترجیحی بر چه مبنایی استوار است و چرا بر دیگر رابطه ها مرجح است؟

پانتم این پرسش را پیش می نهد: "چگونه می توانیم یک مطابقت (یک مطابقت بخصوص) میان کلمه هایمان و اشیاء فرضا مستقل از ذهن برگزینیم اگر دسترسی مستقیم بر این اشیاء مستقل از ذهن نداشته باشیم؟"^۲

پانتم در نوشته های مختلف خود سه پاسخ مکمل به این سوال را بررسی نموده نقد می کند و در خلال همین مباحث منظور وی از رئالیسم متافیزیکی بیشتر مشخص می گردد.

^۱ -RR – P.206 & 207

^۲ -RR – P.207

با توجه به مجموعه ی نوشته های پاتنم، باب هیل و کریسفین رایت سه پاسخ را چنین دسته بندی کرده اند (با کمی دستکاری در بند دوم) :

- آنچه در سرِ ما می گذرد (قصد یا خواست یا منظور) ممکن است به ما در تعیین تناظر مناسب (مطابقت مناسب) میان کلمه های زبان و موجودیت های مستقل بیرونی کمک نماید.

- بطور کلی از مفهوم صدق به عنوان ابزاری برای تثبیت یک رابطه مطابقت می توان استفاده کرد؛ به عنوان مثال گفتن اینکه "سگ" به آن چیزی گفته می شود که فلان n جمله مشخص در موردش صادق باشند.

- بکارگیری شرط های غیر قصدی^۱ - مثلاً علی - به عنوان منابع مورد نیاز جهت تثبیت مرجع کلمه های زبان.

پاتنم در تمامی نوشته هایش سعی در نشان دادن این امر دارد که هیچ کدام از سه راه حل پیشنهادی کارایی ندارد. در میان سه پاسخ فوق پاسخ دوم در تحقیق حاضر مورد توجه است زیرا اولاً استدلال پاتنم در این بخش مبتنی بر نظریه مدل است. ثانیاً پاتنم استدلال های متنوعی در این باره ارائه نموده است. از این رو، فصل دوم بطور مفصل به ارائه ی دو استدلال عمده ی پاتنم در این مورد (برهان جایگشت^۲ و برهای مدل ها و واقعیت^۳) خواهد پرداخت. هر یک از این دو استدلال استدلال بر مبنای یک قضیه محوری اقامه می شود که در فصل دوم توضیح داده خواهد شد. در مورد روش کلی استدلال نیز در مقدمه فصل دوم سخن گفته خواهد شد.

¹ - NON- INTENTIONAL

² -Permutation argument

³ -Models and Reality argument

اما منظور پاتنم از رئالیسم متافیزیکی چیست؟ پاتنم با افزودن یک نکته به دو نکته ی قبلی (وجود اشیاء مستقل از ذهن و توانایی ارجاع به آنها و نیز مطابقت ترم های زبان با موجودیت های مستقل از ذهن) منظور خود را از رئالیسم متافیزیکی مشخص می نماید. وی می نویسد "آنچه یک رئالیست متافیزیکی را یک رئالیست متافیزیکی می کند این باور وی است که (بالاخره) یک جایی یک نظریه درست وجود دارد (دو نظریه که هر دو درست و کاملاً توصیفگر جهان هستند صرفاً از نظر نمادگذاری با یکدیگر متفاوتند)".^۱ پاتنم در جاهای متعددی این سه ادعا را به رئالیست متافیزیکی نسبت می دهد که بطور خلاصه عبارتند از :

- جهان متشکل است از اشیا (موجودیت ها) کاملاً مستقل از ذهن تثبیت شده.

- دقیقاً یک توصیف درست از چگونه بودن جهان وجود دارد.

- صدق مشتمل است بر نوعی مطابقت میان کلمه ها یا فکر نشانه ها و چیزهای بیرونی و مجموعه های این چیزها .

البته چنان که باب هیل و کریسپین رایت می گویند "رئالیسم متافیزیکی، چنان که پاتنم مدنظر دارد، یک دکترین یکپارچه ساده نیست بلکه ترکیبی از چندین ایده ی فلسفی به هم نزدیک درباره ی ارتباط میان زبان و واقعیت و میان صدق و معرفت و یا باور موجه است".^۲ برای فهم بهتر منظور پاتنم از رئالیسم متافیزیکی ذکر دو نقل قول از وی شاید مفید باشد؛

¹ - RR – P.211

² - A COMPANION TO THE PHILOSOPHY OF LANGUAGE-BUB HALE &CRISPIN WRIGHT-2001-Belackwell-P.427

وی در مقاله ای تحت عنوان "چرا یک جهان ساخته و پرداخته وجود ندارد"^۱ چنین می نویسد: "این باور به یک نظریه درست به همراه نظریه ی مطابقت در صدق (برای درست بودن) به یک جهان ساخته و پرداخته نیاز دارد. خود این جهان باید ساختار ساخته شده در درون داشته باشد زیرا در غیر اینصورت نظریه هایی با ساختارهای متفاوت بایستی جهان را به درستی کپی می کردند و صدق جنبه ی مطلق بودن خود را از دست می داد."^۲

پاتنم همچنین در ابتدای فصل سوم کتاب "عقل، صدق و تاریخ" نیز قائل به یک دسته بندی عمده در فلسفه می شود، تقسیم بندی دیدگاه بیرون گرایانه^۳ و دیدگاه درون گرایانه^۴؛ وی می نویسد: "یکی از این دیدگاه ها (دو دیدگاه)، دیدگاه رئالیسم متافیزیکی است. در این دیدگاه، جهان متشکل است از مجموعه ای از اشیاء ثابت بکلی مستقل از ذهن. دقیقاً یک توصیف صحیح و کامل از چگونه بودن جهان وجود دارد. صدق مشتمل است بر نوعی رابطه مطابقت میان کلمه ها یا فکر- نشانه ها و اشیاء بیرونی یا مجموعه ای از آنها. من این دیدگاه را دیدگاه بیرون گرایانه خواهم نامید، زیرا نظرگاه مورد علاقه ی این دیدگاه نظرگاه چشمان خداوند است."^۵ در مقابل در توصیف دیدگاه درون گرایانه چنین می نویسد: "دیدگاهی که از آن دفاع خواهم کرد نام قطعی ندارد. این دیدگاه در تاریخ فلسفه نو رسیده است و حتی امروز کماکان با دیدگاه هایی از نوع کاملاً متفاوت اشتباه گرفته می شود. من به این دیدگاه

¹ - Why there isn't a ready-made world

² - RR – P.211

³ -externalist perspective

⁴ -internalist perspective

⁵ - R.T&H-Hilary Putnam-1981-Cambridge University press-P.49

با عنوان دیدگاه درون گرایانه ارجاع خواهیم داد زیرا خصیصه این دیدگاه این فرض است که این سوال که: جهان از چه اشیایی تشکیل شده است؟ سوالی است که پرسیدن آن فقط درون یک نظریه یا توصیف معنا می دهد... **صدق** در یک دیدگاه درونی، نوعی مقبولیت عقلانی ایده آل شده است. نوعی هماهنگی ایدآل میان باورهایمان با یکدیگر و با تجربه هایمان چنان که آن تجربه ها خود در نظام باورها بازنمایی می شوند و نه مطابقت با **اوضاع امور مستقل** از ذهن یا یک گفتمان".^۱

با دقت در نقل قول های ذکر شده یک وجه مشترک میان آنها قابل تشخیص است و آن اینکه پاتنم هرگونه ادعا مبنی بر وجود ساختاری در جهان خارج از ذهن را ادعایی متافیزیکی می داند که مدعیان آن از ارائه ادله کافی جهت اثبات برقرار بودن چنان ساختاری بطور مستقل از ذهن ناتوانند و احتمالاً پاتنم از این رو- مانند کانت- چنین ادعایی را متافیزیکی می خواند. پاتنم در مقاله ی "چرا یک جهان ساخته و پرداخته وجود ندارند" - که نقل قول اول از آن ذکر شده است- سعی در نقد ماتریالیسم علمی یا علم گرایی ماتریالیستی دارد که رابطه علّی را به عنوان مثالی از ساختار درونی عالم بکار می برد.^۲ به همین قرینه، در نقل قول دوم نیز تمایز اساسی را در همین بیرونی و درونی بودن ساختارها می بیند؛ منظور وی از "نظرگاه چشمان خداوند" اشاره به دیدگاه هی است که در آن صدق امری بیرونی است. از نظر پاتنم صدق از چشمان خداوند، در واقع صدق از هیچ چشمی است،

^۱ -R.T&H-P.49,50

^۲ -RR - P.211

صدقی مستقل از مشاهده گران است.^۱ به نظر وی صدق یک خصلت درونی دارد به این بیان که درستی یک نظریه به تطبیق آن نظریه با جهان چنان که جهان خود را به مشاهده گران می نمایاند استوار است، در مقابل، یک فیلسوف بیرون گرا صدق یک نظریه را در مطابقت آن با جهان چنان که این جهان در خود است می داند.^۲

شاید بتوان در یک نمای از بالا، ارتباط میان استدلال های پانتم در رد توانایی، برای برگزیدن یک رابطه مطابقت بخصوص میان کلمه های زبان و موجودیت های خارج از زبان (یا به عبارت دیگر عدم توانایی در تثبیت مرجع کلمه های زبان) از یک سو و دیدگاه انتقادیش به سه ادعای رئالیسم متافیزیکی از سوی دیگر، به تعبیر کریسپین رایت و باب هیل چنین بیان نمود:

اگر ادعاهای رئالیست متافیزیکی مبنی بر اینکه

۱ - جهان متشکل است از تعدادی اشیاء کاملاً مستقل از ذهن

۲ - صدق عبارت است از نوعی رابطه مطابقت میان کلمه ها و اشیاء بیرونی

درست باشند، آنگاه باید یک رابطه ارجاعی مشخص میان کلمه ها و این اشیاء وجود داشته باشد. حال اگر چنین باشد رئالیست متافیزیکی باید بتواند برداشتی از چگونگی این رابطه ارجاعی ارائه کند. اما پانتم استدلال می کند که چنین رابطه ارجاعی نمی تواند وجود داشته باشد و از آن نتیجه میگیرد که فرض های ۱ و ۲ برقرار نیستند. طبیعی است که وقتی نتوان

^۱ -R.T&H – P.50

^۲ همان

از یک رابطه ارجاعی سخن گفت آنگاه سخن گفتن از یک نظریه درست نیز بی معنا خواهد بود. بحث بیشتر در مورد صحت کلی استدلال پاتنم در فصل پایانی تحقیق که به نقد و جمع بندی استدلال اختصاصی دارد ادامه خواهد یافت.

فصل دوم: توضیحاتی پیرامون نظریه مدل

۱-مقدمه:

بنا به یک تعریف معمول " نظریه مدل شاخه ای از منطق ریاضی است که به روابط میان یک زبان صوری و تعبیرها یا مدل های آن می پردازد"^۱ با توجه به تعریف نظریه مدل از یک سو و پروژه ای که پاتنم در پی آن است (تحقیق در چگونگی تثبیت مصداق کلمه های زبان) از سوی دیگر، پرداختن پاتنم به نظریه مدل دور از ذهن به نظر نمی رسد و داشتن اطلاعات مقدماتی از نظریه مدل برای فهم استدلال های پاتنم ضروری است .

در این بخش از تحقیق سعی شده آنچه برای فهم ماهیت نظریه مدل و مواردی که پاتنم از آنها استفاده می کند لازم است بیان گردد و نشان دهنده ی همان مسیری است که نگارنده ی تحقیق، خود برای فهم مطلب پیموده است.

۱-۱ چند مفهوم نخستین:

چنان که در تعریف بالا ذکر شد نظریه مدل پرداختن به روابط میان دو چیز است : مدل ها(ساختار ها) و زبان صوری . ابتدا به توضیح صوری این دو مفهوم پرداخته می شود.

۱-۱-۱ منظور از ساختار چیست :

از مجموع تعاریفی که در منابع مختلف از "ساختار" ملاحظه می کنیم می توان چنین استنباط کرد که ، یک ساختار عبارت است از مجموعه ای از اشیاء(دامنه) به همراه خاصه های هر کدام (محمول های یک موضعی که با توابع نمایش داده می شوند) و روابط میان این اشیاء(محمول های بیش از دو موضعی) . به زبان کمی صوری تر ، یک ساختار مثل \mathcal{A} عبارت است از سه تایی مرتب

¹ - Model Theory –C.C.CHANG & H.JEROME KEISLER-1992-NORTH_HOLLAND-P.1